

# **ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE**

Case No. 227

Date of filing: 2/9/91

\*\* AWARD - Type of Award Award  
- Date of Award 2-Sep-91  
       pages in English

34 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_ pages in English

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English      \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English      \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_ pages in English      \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_

- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English      \_\_\_\_\_ pages in Farsi

## IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

FINAL AWARD

Case No. 227

Chamber Three

پرونده شماره ۲۲۷

شعبه سه

حکم شماره ۵۱۴-۲۲۷-۳

دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده

DUPLICATE  
ORIGINAL  
«نسخه برابر اصل»

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	2 SEP 1991 ۱۴۰۰ / ۶ / ۱۱ تاریخ

ایستمن کداک کامپنی ،

خواهان ،

- و -

دولت ایران ،

خوانده .

English version
Filed on 1 JUL 1991
نخست انجلیسی در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۴۰۰
ثبت شده است .

حکم نهایی

### یک - مقدمه و موضوعات شکلی

۱ - در تاریخ ۲۰ آبانماه ۱۳۶۶ [۱۱ نوامبر ۱۹۸۷] دیوان داوری حکمی جزی به شماره ۳۲۹-۲۲۷/۱۲۳۸۴-۳ (چاپ شده در ۱۵۳ C.T.R. 17 Iran-U.S.) در این پرونده صادر کرده ("حکم جزی")، تصمیم درباره یکی از عناصر دعوا را به بعد موكول نمود و درباره کلیه عناصر دیگر دعوا تصمیم گرفت. آن جنبه از دعوا که دیوان تصمیم راجع به آن را به بعد موكول کرد، این بود که آیا مداخله در شرکت (سهامی خاص) خدمات عکاسی رنگیران ("رنگیران") که دیوان وقوع آن را احرار کرده و آن را قابل انتساب به دولت ایران ("ایران") دانست، موجب ورود خسارت به خواهان، ایستمن کدак کامپنی ("ایستمن کدak") شده است یا خیر و درنتیجه، اگر غرامتی به ایستمن کداك تعلق می‌گیرد، میزان آن چقدر است.

۲ - سابقه شکلی و جنبه‌های صلاحیتی پرونده به طور کامل در حکم جزی تشریح شده است. در حکم جزی اشاره شد که حکم نهائی براساس لوایح و مدارک کتبی که قرار است به دیوان تسلیم شود صادر خواهد شد و جلسه استماع دیگری تشکیل نخواهد گردید. رجوع شود به بند ۷۳ حکم جزی. دیوان طی دستور مورخ دوم بهمنماه ۱۳۶۶ [۲۲ ژانویه ۱۹۸۸] از طرفین درخواست کرد که مدارک و لوایح خود را درباره موضوع باقیمانده تسلیم دارند. خواهان در تاریخ پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [۲۵ آوریل ۱۹۸۸] مدرکی تحت عنوان "یادداشت مدعی درمورد خسارات" و ایران در تاریخ اول خدادادمه ۱۳۶۸ [۲۲ مه ۱۹۸۹] "لایحه جوابیه‌ای" به دیوان تسلیم کردند.

۳ - ایران در مدرک مذبور اظهار داشت: "خوانده در حال تحصیل شهادت‌نامه‌هایی از اشخاص مختلف و همچنین یک گزارش حسابرسی می‌باشد که تحقق این امر نیاز به وقت زیادی دارد و خوانده تابحال نتوانسته است مدارک مورد نظر خود را تهیه و

تسلیم نماید". در مکاتبات قبلی که ایران درخواست تمدید مهلت ثبت مدرک فوق را کرده بود، اظهار داشته بود که لازمست حسابرسی صورت گیرد، لکن پراکنده شدن کارمندان رنگیران تهیه شهادت‌نامه‌های مورد نیاز را دشوار ساخته است. جزئیات مشخصی در این زمینه ارائه نشد. در پاسخ، ایستمن کذاک طی نامه مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۸ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۹] و همچنین در لایحه معارض خود اظهار داشت که "ایران حق ندارد مدارک دیگری تسلیم نماید" و اضافه نمود که در صورتیکه ارائه چنین مدارکی مجاز شناخته شوند، باید "فرصت ثبت مدارک معارض دیگری که احتمالاً در رد مدارک تسلیمی ایران لازم باشد"، به وی داده شود.

۴ - ایستمن کذاک و ایران لوایح معارضی به ترتیب در هفتم تیرماه و ۱۷ شهریورماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئن و هشتم سپتامبر ۱۹۸۹] ثبت کردند. ایران همراه با لایحه معارض خود شش پیوست تسلیم کرد. برنامه‌ای برای تسلیم لوایح دیگر در این پرونده تعیین نشد و بنابراین خواهان فرصت اظهارنظر یا رد این پیوستها را نداشته است.

۵ - دیوان اسنادی را که ایران همراه با لایحه معارض خود تسلیم داشته، بررسی کرده است. یکی از شش سند ارائه شده نسخه‌ای است از وکالت‌نامه مورخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۵۹ [نهم مارس ۱۹۸۱] دایر بر نصب آقای هوشی یا شخصی به نام آقای معتبر به عنوان مدیران تصفیه رنگیران. از پنج سند باقیمانده، سه سند به صورت شهادت‌نامه‌های درباره رویدادهای سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ و یک سند، به صورت شهادت‌نامه‌ای از یک کارشناس وزارت دادگستری است و آخرین پیوست، گزارش مousسه حسابرسی محلاتی است که در ژوئن ۱۹۸۹ به موجب حکم انتصاب مورخ ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۱۳ مه ۱۹۸۹] ایران تهیه شده است. گزارش مذکور ظاهرآ "حاکی از ارزش رنگیران در تاریخ نهم آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] می‌باشد.

۶ - چنین پیداست که ایران کلیه مندرجات پیوستهای فوق را در اختیار داشته و می‌توانسته آنها را با لواح قبلی خود تسلیم نماید. درنتیجه، دیوان معتقد است که هیچکی از اسناد تسلیمی، مدارک معارض صحیحی محسوب نمی‌شود که مشمول تعریف دیوان از "مطلوب تسلیمی در پاسخ به مدارک مشخصی که قبل" به ثبت رسیده" باشد. رجوع شود به ص ۱۲ [فارسی] حکم شماره ۲۶۴-۲۶۴ مورخ ۲۱ آبانماه ۱۳۶۵ [۱۲ نوامبر ۱۹۸۶] در پرونده هنری اف تایکمن، اینکوریوریت و شرکت شیشه همدان، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 124,133 "لایه و مدارک معارض ایران" تسلیم گردیده، غیر قابل قبول اعلام می‌کند.

#### دو - ادعای خسارت

##### الف - اظهارات خواهان

###### ۱ - ماهیت خسارت

۷ - ایستمن کذاک اظهار می‌دارد که مداخله مورد احراز دیوان، بدون شک موجب شده است که وی متهم خسارت گردد و وی ذیحق به دریافت غرامت معنابه از آن بابت می‌باشد. ایستمن کذاک مشخصاً اظهار می‌دارد که اقدامات ایران در نوامبر ۱۹۷۹ اثرات فوری و زیانباری در کسب و کار رنگیران داشت و موجب گردید که "فروش رنگیران در طول مدیریت شورای کارگران در مقایسه با دوره مشابه سال قبل، به میزان یک سوم تنزل کند". به علاوه، ادعا شده است که به فروشنده‌گان [کالا به شرکت] وجہی پرداخت نشد و موجودی کالا جایگزین نگردید به نحوی که "کسب و کار رنگیران دچار رکود و کسادی شد و دارایی و حسن شهرت وی به سرعت نابود گردید". ایستمن کذاک در تائید این اظهارات، صورت وضعیت ممیزی

نشده‌ای از درآمد رنگیران در سال ۱۹۷۹ و شهادتname عده‌ای از کارمندان خود را  
تسلیم کرده است.

۸ - ایستمن کدак اظهار می‌دارد که وی به عنوان سهامدار منحصر به فرد رنگیران(۱)،  
ذیحق بود که سه حق اساسی را به شرح زیر اعمال کند: (الف) حق دریافت سود به  
شكل سود سهام (ب) حق اداره امور تجاری رنگیران به نحوی که صلاح می‌دانست و  
(ج) حق فروش سهام شرکت یا انحلال آن. وی اظهار می‌دارد که مداخله ایران  
متوجه حق ایستمن کداك در اداره امور تجاری رنگیران به صورت یک مؤسسه دایر  
بود و اثر کلی اقدامات ایران این بود که عناصر اساسی کنترل اداره امور روزانه  
آن به شورای کارکنان و دادستان کل سپرده شد. بدین ترتیب، ایستمن کداك  
اظهار می‌دارد که نقش وی در اداره امور رنگیران بعد از ششم آذرماه ۱۳۵۸  
[۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] یعنی تاریخی که حکم جزیی برقراری "مدیریت مشترک" را احراز  
کرد (رجوع شود به بند ۴۳ حکم جزیی) حداکثر، جنبه "مشورتی و تشریفاتی" داشته  
است.

۹ - ایستمن کداك همچنین استدلال می‌کند که محرومیت ادعایی از حق اداره عملیات  
روزانه رنگیران، صرفاً محرومیت از یک حق مجرد نبود و این امر در تغییرات  
حاصل در نتایج عملکرد رنگیران مشهود است. ایستمن کداك اظهار می‌دارد که  
تقصیر رکود عملکرد رنگیران در این مدت را نمی‌توان متوجه اوضاع ایران دانست.  
رنگیران در سه ماهه دوم سال مالی منتهی به نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر

---

(۱) ایستمن کداك از ۱۸۰,۰۰۰ سهم صادره اولیه، ۱۷۹,۹۹۸ سهم را در دست داشت و  
از دو سهم دیگر یکی متعلق به ایستمن کداك اینترنشنال کپیتال کامپنی و سهم دیگر متعلق  
به کداك (نیز ایست) اینکه بود که هر دوی آنها تماماً متعلق به ایستمن کداك بودند.

[۱۹۷۹]، یعنی از ۱۲ اسفندماه ۵۷ تا دهم اردیبهشت ماه ۵۸ [اول فوریه تا ۳۰ آوریل ۱۹۷۹] و در اوج فعالیتهای انقلاب، شاهد اولین سه ماهه سودآوری خود بود. ایستمن کذاک همچنین اظهار می‌دارد که در مجموع، بازار عکاسی در ایران اساساً تغییری نکرد. ایستمن کذاک نتیجه می‌گیرد که "شورای بی تجربه کارکنان اختیارات خود را کاملاً برخلاف آنچه که مدیریت منصوب کذاک به عنوان سهامدار، روشهای صحیح تجاری می‌دانست اعمال می‌کرد".

۱ - ایستمن کذاک ادعا می‌کند که چنانچه ایران مداخله نکرده بود، آن شرکت در مارس ۱۹۸۰ رنگیران را منحل نمی‌کرد. ایستمن کذاک تصمیم به انحلال شرکت را به شرح زیر توصیف می‌کند: "باتوجه به اثرات شدید اقدامات ایران بر ارزش سهام [ایستمن] کذاک و به منظور جلوگیری از ادامه تقبل تعهدات غیر ضروری، هیاعت مدیره رنگیران در تاریخ ۱۹ اسفندماه ۱۳۵۸ [دهم مارس ۱۹۸۰] تصمیم گرفت از این حق نهایی خویش استفاده نماید". در ماه زانویه ۱۹۸۰ ایستمن کذاک کلیه مطالبات خود از رنگیران را "به دلیل شرایط اخیر ایران" به حساب ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول منظور کرده بود. ایستمن کذاک می‌گوید: اظهار این مطلب که ایستمن کذاک در صورت عدم مداخله ایران شرکت را منحل می‌کرد، تصوری باطل است و اضافه می‌کند که "اقدامات متذکره توسط ایران کذاک را به طور اساسی از کلیه حقوق خود در اداره موئثر اموالش محروم کرد و تنها حق ممی که برای کذاک باقی ماند، حق انحلال شرکت بود". ایستمن کذاک نتیجه می‌گیرد که:

تصمیم سهامداران به انحلال شرکت در ماه مارس ۱۹۸۰ منجر به آن نشد که کذاک بتواند مجدداً آداره امور شرکت را به دست گیرد و آنچه که کذاک بابت آن مطالبه غرامت می‌کند، از دست رفتن حق کنترل عملیات روزمره شرکت است که مدتها بود به وقوع پیوسته بود. این واقعیت که کذاک تنها حق باقیمانده خود - یعنی حق قانونی انحلال شرکت را - اعمال کرد، به این مفهوم نیست که حق اساسی تر و با ارزش تر خود را در اداره شرکت به عنوان یک

موئسسه دائز از نو به دست آورد.

۱۱ - حتی هنگامیکه ایستمن کداک تصمیم به انحلال رنگیران گرفت با مداخله موافق گردید. هنگامیکه آن شرکت در صدد برآمد به قرارداد کارکنان رنگیران خاتمه دهد تا جلوی هزینه‌های بیشتر را بگیرد، شورای کارکنان اخطاریه‌های پایان خدمت را رد کرد و مذاکرات چندین ماه ادامه یافت. این نکته در حکم جزئی دیوان تأثیرگذارد شده است. رجوع شود به بندهای ۱۹ - ۱۷ حکم جزئی. ایستمن کداک در لایحه معارض خود اظهار داشته است که کنترل عملیات روزمره توسط ایران حتی بعد از ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [دهم مارس ۱۹۸۰] نیز ادامه یافت و به طور اساسی مزاحم انحلال رنگیران گردید و درنتیجه، موجب تقلیل باز هم بیشتر ارزش علائق سهامداری ایستمن کداک شد.

## ۲ - میزان خسارت

۱۲ - ایستمن کداک اظهار می‌دارد که روش صحیح برآورد میزان زیان متحمله توسط آن شرکت اینست که ارزش مالکیت رنگیران برای ایستمن کداک در تاریخ وقوع مداخله تعیین، و سپس ارزش حقوقی که برای وی باقی مانده از آن کسر شود. آنچه که باقی می‌ماند، معادل زیانی است که وی متحمل گردیده است.

۱۳ - ایستمن کداک در تأثیرگذاری اظهار خود مبنی بر اینکه تاریخ صحیح ارزیابی دقیقاً قبل از تاریخ مداخله، یعنی ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] است، چند مورد از سوابق دیوان را نقل می‌کند. برای نمونه رجوع شود به صفحات ۴۴-۴۵ [فارسی] قرار اعدادی شماره ۵۵-۱۲۹-۳ مورخ ششم آبانماه ۱۳۶۴ [۲۸ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده سدکو اینکورپوریتد و دیگران و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 248,278 . وی این

اظهار را که تاریخ انحلال رنگیران یعنی ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [دهم مارس ۱۹۸۰] باید بدین منظور ملاک عمل واقع شود رد کرده، اظهار می‌دارد:

تصفیه شرکت توسط کدак در ماه مارس ۱۹۸۰ به آن معنی نیست که مصادره در تاریخ موئخری صورت گرفته است. حقی که کداك در آن موقع اعمال کرد تنها حقی بود که برای شرکت باقی مانده بود، یعنی حق تصفیه. کداك در آن زمان از حق اداره امور رنگیران استفاده نمی‌کرد. این حق مدتها بود که از دست رفته بود و موضوع مورد بحث در این پرونده نیز محرومیت از همین حق است. به علاوه، تا مارس ۱۹۸۰ از دست رفتن آن حق اثرات مغرب اقتصادی خود را بر رنگیران کذاشته بود و در واقع همان اثرات اقتصادی بود که منجر به تصمیم به تصفیه شرکت گردید. بنابراین عادلانه و واقع‌بینانه نخواهد بود که ارزش شرکت را در این تاریخ اخیر مورد توجه قرار دهیم.

۱۴ - ایستمن کداك اذعان دارد که طبق استدلال حکم جزیی، وی پاره‌ای از حقوق سهامداری خود را حفظ کرد و بنابراین از آن بابت ذیحق به دریافت غرامت نمی‌باشد. با این وصف، ایستمن کداك می‌گوید که حقوقی که برای او باقی ماند "عملای" محدود به حق انحلال شرکت بود. به علاوه، ایستمن کداك اظهار می‌دارد که چون وی در واقع آن حق را اعمال کرد، تشخیص و تعیین ارزش چنین حقی امکان پذیر است.

۱۵ - ایستمن کداك متذکر می‌گردد که در نهم مردادماه ۱۳۶۰ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۱] یعنی تاریخی که مدیران تصفیه در گزارش خود به کار برده‌اند [ارزش دارایی باقیمانده] برای ایستمن کداك پس از پرداخت طلب بستانکاران ثالث(۲) مبلغ ۴۹،۰۰۵،۶۰۴/-

---

(۲) بازپرداخت سرمایه سهامداران در این مبلغ منظور نشده است. مبلغ ۳۹۷،۳۱۶،۳۴۱/- ریال طلب ایستمن کداك و شرکتهای وابسته آن نیز در محاسبه منظور نشده، لیکن بدھیهای نقدی به مبلغ ۴۲،۵۲۷،۶۸۷/- ریال که در ترازنامه مورخ نهم مردادماه ۱۳۶۰ [۳۱ ژوئیه ۱۹۸۱] نشان داده شده، در محاسبه منظور گردیده است.

ریال یا  $\frac{1}{4}$  دلار (۳) بود. ایستمن کداک اظهار می‌دارد که این رقم باید به نسبت مدت بین تاریخ مداخله ایران یعنی ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] تا تاریخی که تشریفات انحلال قطعاً توسط مدیر تصفیه‌ای که اداره امور تصفیه و ورشکستگی تهران منصب کرده بود خاتمه یافت تنزیل گردد. تاریخ اخیر در جریان رسیدگی حاضر تعیین نشده، ولی در گزارش مدیر تصفیه که در ماه مه ۱۹۸۶ به دیوان تسلیم شد تأیید گردید که جریان تصفیه در آن تاریخ هنوز ادامه داشته است. بدین ترتیب، ایستمن کداک اظهار می‌دارد که ارزش باقیمانده حقوق وی در تاریخ مداخله ایران، "در واقع بسیار کمتر از  $\frac{1}{4}$  دلار بود". ایستمن کداک همچنین می‌گوید که پس از انحلال رنگیران، وجهی دریافت نکرده است.

۱۶ - ایستمن کداک سپس اظهار می‌دارد که به عنوان صاحب کلیه سهام رنگیران (۴)، مناسب ترین روش برای ارزشیابی سهام وی، تعیین ارزش خالص دارایی رنگیران است. این ارزش از ترازنامه سال مالی منتهی به نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] که کمتر از یکماه قبل از اقدام به مداخله است، قابل تعیین می‌باشد. ایستمن کداک متذکر می‌گردد که این روش محافظه کارانه است، زیرا برخی از داراییها از قبیل حسن شهرت و سودآوری آتی را منعکس نمی‌کند و داراییها کمتر از آنچه که عملاء قابل تحصیل است، ارزشیابی شده است. تصور ایستمن کداک اینست که، شاید به همین دلیل باشد که ایران از چنین روشهای در بسیاری از پرونده‌های سلب مالکیت مطروح در دیوان طرفداری کرده است. برای نمونه رجوع شود به: حکم جزئی شماره ۳ - ۳۱۰ - ۵۶ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶

---

(۳) با استفاده از نرخ تبدیل ۱ دلار = ۷۰ ریال محاسبه شده است.

(۴) رجوع شود به زیرنویس شماره ۱.

[۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده آموکو اینترنشنال فاینس کورپوریشن و دولت

جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در ۱۸۹ C.T.R. ۱۵ Iran-U.S.

۱۷ - ترازنامه سال مالی منتهی به نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] رنگیران که توسط پرایس واترهاوس اند کامپنی تنظیم گردیده مبلغ ۷۶۰،۰۰۶،۹۵۶،۱۴۵ ریال (۲۰،۸۵،۰۸۵ دلار) کسری خالص نشان می‌دهد. لیکن این کسری پس از تخصیص مبلغ ۷۶۸،۷۵۲،۴۱۵،۲۵۰ ریال (۳،۵۷۷،۳۶۸ دلار) برای بازپرداخت پیش‌پرداختهای دراز مدتی است که شرکتهای وابسته کدак و عمدتاً "خود ایستمن کداك تاude" کرده بودند. خواهان اظهار می‌دارد که این دیون داخلی شرکتها را نباید در محاسبه منظور کرد، زیرا "هدف، تعیین ارزش حقوق سهامداری خود [ایستمن] کداك است". ایستمن کداك استدلال می‌کند که مستثنی کردن این دیون منجر به دریافت خسارت مضاعف نمی‌شود، زیرا دیوان قبله "نظر داده است که صلاحیت رسیدگی به ادعای ایستمن کداك علیه رنگیران را از بابت استرداد وجوه ندارد و نیز به این دلیل که آن پیش‌پرداختها در جریان ورشکستگی در ایران مطالبه نشده و اینک نیز قابل مطالبه نیست. ایستمن کداك اذعان دارد که اگر دیوان چنین روشه را پذیرد، وجوهی به مبلغ ۷۰۲،۳۱۲،۴ ریال (۳،۶۱۰/۰۳ دلار) که در ترازنامه به عنوان بدھی شرکتهای وابسته به کداك نشان داده شده نیز باید از ارزشیابی مستثنی گردد. بدین ترتیب، طبق محاسبه ایستمن کداك، ارزش خالص دارایی رنگیران در نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] پس از مستثنی کردن دیون یا مطالبات خود ایستمن کداك، مبلغ ۷۶،۸۰۲،۲۲۴،۱۹۹ ریال (۳،۲۰۲،۸۵۴ دلار) خواهد بود.

۱۸ - ایستمن کداك اظهار می‌دارد که با این وصف، این مقدار ارزش نیز بیش از حد نازل است و باید به صورت اضافی تعديل یابد تا به جای ارزش دفتری، ارزش معاملاتی موجودی کالای رنگیران و امکانات آتی بسیار مطلوب ادعایی وصول اقلام

دریافتني تجاري آن را دقیقتر منعکس سازد. ایستمن کداک مبلغ ۳۱۷، ۳۹۹، ۳۰۰ ریال (۴۳۴، ۲۷۶ دلار) بابت تعديل اضافي پیشنهاد می‌کند.

۱۹ - درنتیجه، ایستمن کداک اظهار می‌دارد که مداخله ایران موجب شد که وی زیان و خسارتي حداقل به مبلغ ۳/۲ ميليون دلار، يعني ارزش خالص تعديل یافته دارایی رنگيران (۳/۶ ميليون دلار) منهاي ارزش حقوقی که برای وی باقی ماند (۴۰۰،۰۰۰ دلار) متحمل گردد و بهره متعلقه به آن را از تاريخ مداخله، به علاوه هزينه [داوري] مطالبه می‌کند.

۲۰ - علاوه بر اين، ایستمن کداک اظهار می‌دارد که رايی مورخ ژوئیه ۱۹۸۳ دادگاه تهران درباره ورشکستگی رنگiran در نهم آبانماه ۱۳۵۶ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۷] برای آن شركت يا ديوان لازم الاجرا نمی‌باشد زира: "در بيانیه حل و فصل دعاوى صراحتاً" از دادگاههاي ايران سلب صلاحیت شده و بجاي دادگاههاي داخلی مرجع دیگري برای رسیدگی تعیین گردیده است. آن مرجع بيش از دو سال قبل از تاريخ رايی ورشکستگی وجود داشته است. درنتیجه، خواهان اظهار می‌دارد که ملزم به شركت در آن رسیدگيهها يا پژوهشخواهی از رايی صادره نبوده است. ایستمن کداک می‌گويد که رايی مزبور هم قابل بحث بوده و هم در جريان رسیدگی حاضر قابل اعمال نیست، زира "رایی دادگاه هیچ ارتباطی با معنای اقتصادی اصطلاح "ورشكسته" يعني [عدم] توانائي پرداخت ديون در سررسيد، ندارد - زира تا زمانی که حسابهاي بانکي رنگiran در نوامبر ۱۹۷۹ مسدود نشده بود آن شركت قادر به پرداخت ديون جاري خود بود".

## ب - اظهارات خوانده

### (الف) ماهیت خسارت

۲۱ - ایران قبول ندارد که ایستمن کذاک از مداخله ایران در حقوق مالکانه اش خسارتی دیده باشد. ایران اظهار می‌دارد که ایستمن کذاک به همان موارد مداخله ادعایی که دیوان در حکم جزی خود مورد بررسی قرار داده، استناد نموده است. ایران اظهار می‌دارد که «اقدامات یاد شده» رویدادهای جدیدی نبوده، بلکه همان رویدادهایی هستند که خواهان از ابتدا در دادخواست خود به عنوان رویدادهای محروم کننده سهامداران از کنترل خود بر رنگیران از آنها نام بردۀ است. ایران اضافه می‌کند که دیوان قبلاً یکاک این اقدامات را بررسی کرده و نظر داده است که [اقدامات مذکور] کنترل، سلب مالکیت یا مداخله در حقوق مالکانه خواهان نسبت به سهام محسوب نمی‌شوند. ایران به ویژه اظهار می‌دارد که:

(یک) دیوان درمورد انتصاب آقای خداخواه نظر داد که نقش وی جزیی و موقتی و هدف آن کمک به رنگیران بوده است. بنابراین دیوان اینکه نمی‌تواند این اقدام را به عنوان مداخله در حقوق مالکانه خواهان تلقی کند،

(دو) دیوان نظر داد که اعطای حق مدیریت به شورای کارکنان ناقص بوده و نقش شورای مزبور در تعیین خط مشی و فعالیتهای آتی آن ذیمدخل نبوده است،

(سه) هیئت مدیره رنگیران خود را به قدر کافی قادر به کنترل عملیات رنگیران می‌دانست که بتواند راجع به منافع آنی و آتی سهامداران به تشخیص خود تصمیم‌گیری و اقدام کند، و (چهار) فقط مسدود نمودن حسابهای بانکی رنگیران اقدام به مداخله محسوب می‌شود.

۲۲ - ایران اظهار می‌دارد که اختیارات شورای کارکنان بسیار محدود و تحت الشعاع قدرت سهامداران بود و مزاحم علائق مالکانه سهامداران نبود. بدین ترتیب، ایران همان اظهارات قبلی را تکرار می‌کند که انتصاب و فعالیتهای شورای کارکنان در حکم

مداخله نبوده و در تائید آن، بندهای گوناگونی از حکم جزئی، به ویژه بندهای ۴۹، ۴۳، ۴۷ و ۴۸ را نقل می‌کند. ایران اظهار می‌دارد که بندهای فوق "موعید این مطلب است که هیئت مدیره رنگیران خود را به قدر کافی قادر به کنترل عملیات رنگیران می‌دانست که بتواند راجع به منافع آنی و آتی سهامداران به تشخیص خود تصمیم‌گیری و اقدام کند". در تائید این ادعا که ایستمن کدک تا تصفیه رنگیران کنترل آن را همچنان در دست داشت، ایران به مطلبی در گزارش مورخ ۱۵ مردادماه ۱۳۶۰ [ششم اوت ۱۹۸۱] استناد می‌کند که مدیران تصفیه رنگیران تهیه کرده بودند. در آن گزارش اشعار شده است که: "قبل از انحلال، شرکت توسط هیئت مدیره منتخب سهامداران اداره می‌شد". ایران از آن مطلب نتیجه می‌گیرد که انتصاب آقای خداخواه و مداخله شورای کارکنان لطمه‌ای به رنگیران نزد. ایران اظهار می‌دارد که به دست گرفتن حق اداره امور تجاری و اموال در یک شرکت، به نحوی که خواهان ادعا می‌نماید، کنترل آن شرکت محسوب می‌شود، اما دیوان به هر حال در حکم جزئی ادعای وقوع کنترل را رد کرده است. بدین ترتیب، ایران انکار می‌کند که حق اداره امور تجاری رنگیران را به دست گرفته باشد.

۲۳ - ایران اذعان دارد که انسداد حسابهای بانکی رنگیران در حکم مداخله بوده، ولی استدلال می‌کند که باتوجه به کوتاهی فاصله بین انسداد حسابها و انحلال رنگیران، این امر زیانبار نبوده و نمی‌توانست باشد. ایران اظهار می‌دارد که ایستمن کدک هیچ رابطه سببیتی را بین مسدود شدن حسابها و لطمه ادعایی ثابت نکرده و بار اثبات وجود یک چنین رابطه سببیت و نیز مقدار خسارت متحمله احتمالی را بر عهده ایستمن کدک می‌گذارد.

#### ب - مقدار خسارت

۲۴ - ایران اظهار می‌دارد که هیچگونه غرامتی به ایستمن کدک تعلق نمی‌گیرد و انسداد

حسابهای بانکی رنگیران زیانبار نبوده، و اگر هم بوده، چندان خسارتی به رنگیران وارد نکرده است، زیرا حسابها در ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۹] مسدود شدند و تصمیم به انحلال شرکت در ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [دهم مارس ۱۹۸۰] گرفته شد. ایران نتیجه می‌گیرد که این نظر که تاعییر انسداد حسابهای بانکی رنگیران در علایق مالی شرکت می‌توانسته در حدی باشد که شرکت را به انحلال و ورشکستگی بکشاند غیرمنطقی است. ایران اظهار می‌دارد که ایستمن کدک توانته مینا و توجیهی برای خواسته خود در دعوای اولیه بیابد و اینک همان خواسته اصلی خود را تحت لوای جدیدی مطالبه کرده است.

۲۵ - ایران اظهار می‌دارد که ایستمن کدک نمی‌تواند زیانهایی را که قبیل از مداخله ادعایی متحمل شده، به عنوان خسارت مطالبه کند. ایران به اظهارنامه‌های مالیاتی، انحلال داوطلبانه رنگیران، تصمیم داوطلبانه سهامداران آن برای ثبت درخواست ورشکستگی در اوت ۱۹۸۱ و متعاقباً "اعلام ورشکستگی رنگیران از تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۶ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۷] که توسط دادگاه تهران اعلام گردید، استناد می‌کند تا ثابت نماید که علایق سهامداری ایستمن کدک بعد از آن تاریخ ارزشی نداشته است. ایران به رد اعتراض خواهان نسبت به تاریخ اعلام شده ورشکستگی توسط دادگاه تهران، به عنوان دلیل دیگری از بی حقی خواهان اشاره می‌کند. تاریخی که دادگاه تهران انتخاب کرده، مبنی بر تحقیقات و نظر کارشناس منصوب دادگاه بوده که گزارش وی به دیوان تسلیم شده است. ایران اظهار می‌دارد که عدم پژوهش خواهی ایستمن کدک نسبت به حکم ورشکستگی صادره توسط دادگاه تهران، شانه این است که ایستمن کدک اعتقاد نداشت که منشاء ورشکستگی رنگیران مداخله ایران بوده است و نتیجه می‌گیرد که "رابطه سببیت بین زیان ادعایی و عمل خوانده از طرف خواهان ثابت نشده و در واقع نیز وجود ندارد".

۲۶ - ایران همچنین به مبنای محاسبه خسارت متحمله توسط ایستمن کدک ایراد می‌گیرد و

اظهار دارد که نیازی به تعیین ارزش سهام رنگیران نیست، زیرا اقدامات ایران هیچ زیانی به آن شرکت وارد نکرده است. ایران در رد محاسبات ایستمن کذاک در مورد ارزش رنگیران و میزان علایق خواهان در آن شرکت، به گزارش مدیر تصفیه رنگیران اشاره کرده، به صلاحیت دیوان ایراد می‌گیرد. در آن گزارش اظهار شده است که رنگیران

مدتها قبل از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران، به دلیل رکود اقتصادی، عجز از انجام تعهدات، وقفه در پرداختها و عدم تاءده دیون مالیاتی و غیره متوقف بوده و ورشکستگی آن معلول وضع مالی و اقتصادی خود شرکت بوده، نه عمل دولت جمهوری اسلامی ایران یا سازمانهای دولتی.

ایران همچنین به گزارش ارزیابی یک مؤسسه حسابرسی ایرانی به نام مؤسسه حسابرسی محلاتی و شرکا<sup>۴</sup> که در ژوئن ۱۹۸۹ تهیه شده استناد کرده، اظهار می‌دارد که طبق نتیجه‌گیری گزارش مزبور، ارزش سرمایه سهامی رنگیران صفر بوده است. این گزارش یکی از اقلامی است که از عدد مدارک خارج شده است. رجوع شود به: بند ۵ فوق.

۲۷ - ایران نتیجه می‌گیرد که هیچگونه زیانی در اثر این تنها مورد مداخله کوتاه مدت وی بیار نیامده و بنابراین هیچ غرامتی به ایستمن کذاک تعلق نمی‌گیرد.

### ج - تصمیم دیوان

#### ۱ - احراز مداخله در حکم جزی

۲۸ - دیوان در بند ۵۹ حکم جزی نظر داد که "اینگونه اقدامات [موئثر بر حقوق مالکیت] اگرچه به منزله مصادره یا محرومیت نیستند، معالوصف در حدی که به علایق مالکانه

خواهان صدمه می‌زنند می‌توانند موجد مسؤولیت گردند". دیوان سپس در بند ۶۱ نظر داد که "مداخله از نوعی که در بالا ذکر شد در پرونده حاضر صورت گرفته و این مداخله قابل انتساب به ایران است."

۲۹ - تحلیل رایی دیوان مبنی بر وقوع مداخله قابل انتساب به ایران، نقطه شروع بدیهی برای ارزیابی میزان خسارت احتمالی واردہ بر ایستمن کداک می‌باشد. در حکم جزیی، دیوان سه مورد مداخله ادعایی را بررسی کرد و نتایجی از آنها گرفت. دیوان همچنین حدوث چند واقعه را احراز کرد که به جریان رسیدگی حاضر ارتباط می‌یابند. سه مورد عده مداخله ادعایی عبارت بودند از:

(یک) انسداد حسابهای بانکی رنگیران در ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۹]

[۱۹۷۹]

(دو) اعطای اختیارات مدیریت جهت نظارت بر عملیات شرکت به شورای کارکنان رنگیران در ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹]

(سه) انتساب آقای خداخواه در سوم دیماه ۱۳۵۸ [۲۴ دسامبر ۱۹۷۹] برای نظارت بر امور رنگیران.

در حکم جزیی نظر داده شد که:

(یک) اظهارات ایران مبنی بر اینکه انسداد حسابهای رنگیران برای حفظ داراییهای آن شرکت اندامی ضروری بود با ادلہ و مدارک ارائه شده، قابل تأیید نیست. رجوع شود به بند ۴۰ حکم جزیی.

(دو) "انسداد کلیه حسابهای بانکی رنگیران توسط دادستان کل در ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۹] بر مدیریت شرکت اثر فوری بر جای گذاشت". رجوع شود به بند ۴۱ حکم جزیی،

(سه) اخطار مورخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] "اختیارات ویژه‌ای جهت نظارت بر عملیات شرکت به شورای کارکنان رنگیران تفویض کرد... و از آن به بعد مدیریت رنگیران مکلف گردید که در اداره امور شرکت تاعیین شورای مذبور را تحصیل کند." رجوع شود به بند ۴۱ حکم جزیی،

(چهار) "کمیته مدیریت [منصب ایستمن کدک] از آزادی عمل کامل، به ویژه درمورد استفاده از حسابهای بانکی، برخوردار نبود." رجوع شود به بند ۴۷ حکم جزیی،

(پنج) از تاریخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] "مدیریت مشترک رنگیران را هیئت مدیره‌ای که اصلتاً و از طریق مقامات محلی منصب خود عمل می‌کرد، شورای کارکنان و دادستان کل، که اجازه وی برای استفاده از حسابهای بانکی رنگیران لازم بود، به دست گرفتند." رجوع شود به بند ۴۳ حکم جزیی،

(شش) کنترل ایستمن کدک بر رنگیران به قدر کفايت بود که "مانع از آن شود که این شرکت "واحدی تحت کنترل" ایران به مفهوم بند ۳ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی تلقی شود". رجوع شود به بند ۵۴ حکم جزیی، و

(هفت) نقشی که آقای خداخواه داشت "جزیی و موقتی بود، و هدف از آن کمک به حل مشکلات موجود بین مدیران محلی و شورای کارکنان بوده است." رجوع شود به بند ۴۲ حکم جزیی.

۳۰ - دیوان ملزم به مراعات نظر اعلام شده در حکم جزیی است، مبنی براینکه انتصاب آقای خداخواه کم اهمیت و موقتی و هدف از آن کمک به حل مشکلات بود. لیکن برخلاف اظهارات ایران، دیوان معتقد است که بندهای ۴۰ و ۴۱ و ۴۳ و ۴۷ و ۵۹ و ۶۱ حکم جزیی را باید اینطور تفسیر کرد که انسداد حسابهای بانکی رنگیران

و تحمیل مدیریت مشترکی مرکب از هیات مدیره، شورای کارکنان و دادستان کل رویه‌مرفته در حکم "اقدامات موئثر در حقوق مالکیت" بود و بنابراین می‌تواند مبنای طرح ادعایی در دیوان باشد.

۳۱ - بنابراین دیوان اظهارات ایران را مبنی بر اینکه طبق یافته حکم جزی، تنها مورد مداخله، انسداد حسابهای بانکی رنگیران بوده است، رد می‌کند. همانطور که ایران استدلال کرده، دیوان متذکر می‌شود که در حکم شماره ۱۲۲-۳۸-۳ مورخ ۲۴ فروردین ماه ۱۳۶۳ [۱۳ آوریل ۱۹۸۴] صادره در پرونده شینگ کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، (چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 361) نظر داده شد که ایران مستول اعمال شورای کارگران نبوده است. ولی دیوان معتقد است که پرونده حاضر از چندین لحاظ با پرونده شینگ تفاوت دارد. به ویژه، در پرونده شینگ نظر داده شد که:

در این پرونده مدرکی وجود ندارد که شورای کارگران در واقع از طرف دولت ایران با یکی از سازمانها یا واحدهای آن عمل کرده باشد و در انتخاب اعضای شورا هیچگونه اعمال نفوذی از طرف دولت شده یا دستور دستور العمل یا توصیه‌هایی به شورا صادر شده یا شورا به موجب دستور یک مقام دولتی عمل کرده باشد.

همان مأخذ من ۱۷ (چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 370) (خط تاءگید اضافه شده است). ولی در مورد رنگیران، در حکم جزی نظر داده شد که دادستان کل که بدون تردید نماینده دولت بوده، نقش موئثری در اداره امور رنگیران به ویژه از لحاظ استفاده از حسابهای بانکی آن شرکت داشته است. رجوع شود به بندهای ۴۱، ۴۳ و ۴۷ حکم جزی. علاوه بر آن، شورای کارکنان مستقیماً از اداره تحقیقات دادستانی کل، اجازه نظارت بر "واردات، تحویل و فروش محصولات رنگیران" را دریافت کرد. رجوع شود به بند ۱۲ حکم جزی.

۳۲ - دیوان نه اختیار دارد و نه مایل است موضوعاتی را که در حکم جزئی راجع به آنها تصمیم گرفته شده، مجدداً طرح کند. دیوان نتیجه می‌گیرد که در حکم جزئی احراز گردیده است که در اثر انسداد حسابهای بانکی رنگیران و تحمل مدیریت مشترک به جای مدیریت انحصاری که حق مسلم ایستمن کداک بوده، مداخله قابل انتساب به ایران صورت گرفته است.

## ۲ - وجود خسارت

۳۳ - دیوان پس از تأیید این مطلب که مداخله در چه مواردی صورت گرفته، اینک باید بررسی کند که آیا ایستمن کداک در حدی که دیوان را متلاعنه سازد، ثابت کرده است که موارد مداخله موجب اضرار وی گردیده است یا خیر. دیوان در حکم جزئی نظر داد که کمیته مدیریت منصوب ایستمن کداک از آزادی عمل کامل در اداره رنگیران برخوردار نبود. رجوع شود به بندهای ۴۷ و ۵۴ حکم جزئی. دیوان اینک بر این نظر است که این از دست دادن آزادی عمل و به ویژه، از دست دادن کنترل اداره امور روزمره موجب شد که ایستمن کداک تنها حقوق باقی مانده برای مدیریت، یعنی حق انحلال رنگیران را اعمال کند و ایستمن کداک حدود سه ماه و نیم بعد از مداخله مابه الاختلاف در این پرونده، اقدام به اینکار کرد. در پرونده هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد تحت شرایط مدیریت مستقل قبلی، ایستمن کداک در آن زمان اقدام به انحلال رنگیران می‌کرد. در واقع کاملاً بعید به نظر می‌رسد که ایستمن کداک پس از سه سال تحمل زیان، شرکتی را که سال قبل شاهد اولین سه ماهه سودآوری خود از زمان تأسیس بوده و در آن اوآخر سرمایه‌گذاری عظیمی در آن به عمل آمده بود، منحل نماید. بنابراین دیوان معتقد است که انحلال رنگیران در ماه مارس ۱۹۸۰ پیامد مستقیم مداخله ایران بود و در غیراینصورت، انحلالی صورت نمی‌گرفت.

۳۴ - بنابراین موضوع مطروح در دیوان، تعیین این مساعله است که آیا انحلال رنگیران موجب شد که ایستمن کذاک متحمل خساراتی گردد که در غیر آنصورت متحمل نمی‌شد و اگر چنین است، دیوان باید میزان خسارت واردہ در اثر انحلال را تعیین کند.

۳۵ - ایستمن کذاک اظهار می‌دارد که "واقعاً" متحمل چنین خسارتی گردیده و روش صحیح برآورد میزان خسارت اینست که آنچه که وی قبل از موارد مداخله داشته تعیین و با آنچه که بعد از مداخله برایش باقیمانده است مقایسه گردد و استدلال می‌کند که تفاوت بین آن دو مقدار، خسارتی است که وی متحمل شده است. ایستمن کذاک اظهار می‌دارد که ارزش سهام وی که بر این اساس محاسبه شده،  $3,600,000$  دلار بوده که پس از کسر ارزش حقوق باقی مانده، یعنی  $400,000$  دلار، حداقل ارزش خالص سهام  $3,200,000$  دلار می‌باشد.

۳۶ - ایران به استفاده از این روش محاسبه خسارت شدیداً" معارض است و روشی که از آن طرفداری می‌کند، تعیین میزان زیانی است که ایستمن کذاک از ۱۶ آبانماه تا ۱۹ اسفندماه ۱۳۵۸ [هفتم نوامبر ۱۹۷۹ تا دهم مارس ۱۹۸۰] در نتیجه انسداد حسابهای رنگیران عملأ" متحمل گردیده که در غیر آنصورت متحمل نمی‌شد. ایران برای اثبات این مطلب که علیق سهامداری ایستمن کذاک در رنگیران چه قبل و چه بعد از انحلال بی ارزش بوده، به این استدلال استناد می‌کند که رنگیران در سراسر عمر خود ورشکسته بود و بنابراین مداخله کوتاه مدتی که بر اثر اسنداد حسابهای بانکی به عمل آمد، موجب هیچگونه زیان واقعی نشده است.

۳۷ - روش نخست با رویه دیوان برای ارزشیابی در موارد سلب مالکیت مطابقت دارد، هرچند که کاربرد آن نسبت به یک ادعای مبنی بر مداخله کم اهمیت تری هنوز ممکن است مستلزم بررسی باشد. عنصر مهمی که باید درمورد روش دوم احراز

شود، رابطه سببیت است. ایران اظهار می‌دارد که ایستمن کداک نتوانسته ثابت کند که درنتیجه مداخله ایران متحمل زیانی شده که در غیر اینصورت متحمل نمی‌شد. در پرونده حاضر که در حکم جزیی نظر داده شد که "مداخله ایران در مالکیت قانونی ایستمن کداک نسبت به سهام رنگیران تأثیر نداشت" و ایستمن کداک کماکان می‌توانست تصمیم به انحلال آن بگیرد و همچنین اشاره شد که موضوع باقیمانده برای دیوان تعیین این مطلب است که آیا مداخله مذکور موجب اضرار ایستمن کداک شده است یا خیر، دیوان مقاعده شده است که توجه باید به رابطه سببیت بین مداخله و زیان متحمله احتمالی معطوف گردد.

۳۸ - برای تعیین این مطلب که آیا در اثر انحلال رنگیران در آن زمان ایستمن کداک متحمل خساراتی گردید که در غیر آنصورت متحمل نمی‌شد، دیوان باید وضعیت مالی رنگیران را در زمان مداخله مورد بررسی قرار دهد. اصل مسلمی که در تصمیمات دیوان ملاک عمل بوده، اینست که تاریخی که باید برای ارزشیابی دارایی مصادره شده به کار رود، تاریخ بلافاصله قبل از وقوع مداخله است. برای نمونه رجوع شود به قرار اعدادی شماره ۳۱۹-۵۵ صادره در پرونده سدکو، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 248 . دیوان دلیلی نمی‌یابد که درمورد یک مداخله کم اهمیتتر از این اصل عدول کند.

۳۹ - در حکم جزیی نظر داده شد که مداخله حداکثر در تاریخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹ ] صورت گرفته است. خواهان به عنوان مدرک، صورتهای مالی حسابرسی شده سال مالی منتهی به نهم آبانماه ۱۳۵۸ [ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ ] رنگیران را که کمتر از یکماه قبل از تاریخ احراز شده مداخله بوده، تسلیم نموده است. این ترازنامه با ضمائم آن تنها ارزشیابی حسابرسی شده از آن زمان است که نزد دیوان موجود است.

۴۰ - ترازنامه مذبور نشان می‌دهد که داراییهای جاری رنگیران (۵۹۲۶، ۹۴۰، ۲۹۲) ریال) نسبت به بدهیهای جاری آن (۲۱۳، ۹۵۵، ۹۸۶) ریال) مبلغ ۷۸، ۹۸۴، ۶۰۶ ریال فزونی داشته است. در رقم اخیر، داراییهای سرمایه‌ای منظور نشده است. با این وصف، ترازنامه کلاً مبلغ ۱۴۵، ۹۵۶، ۰۰۶ ریال کسری نشان می‌دهد. بدین ترتیب، همانطور که ایران ادعا کرده رنگیران زیان می‌داده و بدهیهای قابل توجیه داشته است. لیکن این بدهیها که از نظر هر خریدار ثالثی، اثر فراوانی در ارزش رنگیران می‌گذارد، نه تنها بدهیهای جاری، بلکه پیش‌پرداختهای دراز مدت از ایستمن کدак و شرکتهای وابسته آن به مبلغ ۲۵۰، ۴۱۵، ۷۵۲ ریال و نیز طبق روش‌های استاندارد حسابداری، تخصیص وجه برای بازپرداخت سهام سرمایه‌ای سهامداران به مبلغ ۱۸، ۰۰۰، ۰۰۰ ریال را شامل می‌شود.

۴۱ - ترازنامه آشکارا نشان می‌دهد که درواقع رنگیران قادر بود از محل داراییها و درآمد خود، کلیه مطالبات اشخاص ثالث را غیر از پیش‌پرداختهای داخلی بین شرکتها بپردازد. همانطور که در بالا ملاحظه شد، ترازنامه نشان می‌دهد که داراییهای جاری رنگیران مبلغ ۷۸، ۹۸۴، ۶۰۶ ریال بر بدهیهای جاری آن فزونی داشت. با منحل کردن رنگیران، وامها و پیش‌پرداختهای اعطایی توسط ایستمن کدак و شرکتهای تابعه آن بابت هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای که عادتاً فقط در صورت مطالبه قابل پرداخت می‌بود، فوراً حال شد. درواقع، فقط تخصیص وجه برای بازپرداخت این وامها و پیش‌پرداختها در ترازنامه سال ۱۹۷۹ و ترازنامه‌های قبلی است که به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که رنگیران یا در هنگام انحلال و یا آنطور که دادگاه تهران نظر داد<sup>(۵)</sup>، در نهم آبانماه ۱۳۵۶ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۷] (یعنی در پایان اولین سال مالی خود) ورشکسته بوده است. گرچه

(۵) در حکم جزیی نظر داده شد که: "اعلام بعدی دائز بر ورشکستگی رنگیران در نهم آبانماه ۱۳۵۶ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۷] [در ارتباط با حفظ داراییهای رنگیران] نمی‌تواند اثری تعیین کننده در این رابطه داشته باشد زیرا حکم مذبور متجاوز از سه سال پس از رویدادهای مورد بحث در اینجا صادر شده است." بند ۴۰ حکم جزیی.

ایستمن کداک بدون تردید حق داشت بازپرداخت این مبالغ را هر زمانی مطالبه کند، ولی از نظر تجاری قابل تصور نیست که تا رنگیران به طور منظم سودآور نمی‌شد، ایستمن کداک اقدام به مطالبه می‌کرد. ولی با انحلال زودرس رنگیران، ایستمن کداک حتی امکان کسب درآمد آتی را برای پرداخت دیون بین شرکتها از دست داد. در عوض، بدھیها حال شد، بدون اینکه پولی برای پرداخت آنها موجود باشد.

۴۲ - دیوان قبلاً نظر داده است که انحلال رنگیران پیامد مستقیم مداخله ایران بود (رجوع شود به بند ۳۰ فوق). دیوان اکنون همچنین نظر می‌دهد که انحلال زودرس رنگیران موجب شد که ایستمن کداک متهم زیانهای شود که در غیر اینصورت در آنموقع بیار نمی‌آمد. اگر رنگیران منحل نشده بود، وامها و پیشپرداختهای ایستمن کداک به آن شرکت مطالبه نمی‌شد. مداخله ایران در آن لحظه از زمان، دیون بالقوه را تبدیل به دیون حال کرد و موجب گردید که خواهان هرگونه امکانی را که برای بازپرداخت آن مبالغ داشت، از دست بدهد. دیوان معتقد است که بین مداخله ایران، حال شدن دیون بالقوه و از دست رفتن هرگونه امکان وصول آن مبلغ توسط ایستمن کداک، رابطه سببیت ناگسته‌ای وجود داشته است، بدین معنی که ایستمن کداک توانایی وصول برخی از داراییها خود را از دست داد. بنابراین خسارتم که ایستمن کداک متهم گردید، منطقاً "باید هم باتوجه به ارزش آن داراییها و هم باتوجه به احتمال وصول واقعی آنها تعیین شود.

### ۳ - مقدار خسارت

۴۳ - در این حکم نهایی، فقط موضوع ادعای ایستمن کداک از لحاظ خسارتی که به حقوق مالکانه وی به عنوان سهامدار عده رنگیران وارد شده، برای دیوان مطرح است. درنتیجه، باوجود اینکه انحلال زودرس رنگیران موجب شد که ایستمن کداک امکان دریافت کلیه مطالبات خود را از دست دهد، دیوان باید توجه خود را منحصراً به آن

زیانهای معطوف کند که ایستمن کدک به عنوان سهامدار عمد متحمل گردیده، و نه به هر زیانی که وی به عنوان بستانکار تجاری رنگیران متحمل گردیده است.

۴۴ - بدھیهای که در ترازنامه رنگیران نشان داده شده، شامل ۱۲۴،۰۵۲،۷۹۸ ریال بدھیهای جاری به شرکتهای کدک، پیشپرداختهای درازمدت به مبلغ ۴۱۵،۷۵۲،۲۵۰ ریال و سهام سرمایه به مبلغ ۳۹۲،۴۶۸،۵۵۰ ریال بالغ می‌شود. مبلغ ۳۱۲،۷۰۲ ریال نیز به عنوان مطالبات از شرکتهای کدک نشان داده شده است. جزئیات این مبالغ در توضیحات منضم به صورتهای مالی که حسب اظهار، "جزء لاینک صورتهای مالی محسوب می‌شوند" شرح داده شده است. در توضیحات اشاره شده است که از بدھیهای جاری فقط ۹۵۹،۹۹۷ ریال مربوط به بدھی به ایستمن کدک بوده، و ایستمن کدک مبلغ ۱،۳۵۸،۱۹۰ ریال به رنگیران بدھکار بوده است.

۴۵ - دیوان معتقد است که بدھیهای جاری به ایستمن کدک و شرکتهای تابعه آن، دیون تجاری محسوب می‌شود که در جریان عادی داد و ستد ایجاد گردیده است. به ویژه اینکه، دیون تجاری به شرکتهای تابعه مستند به صورتحساب بوده و معاملات عادی تجاری به نظر می‌رسند. ایستمن کدک در دادخواست خود اذعان کرده است که کالاهای و خدمات طبق روابط عادی تجاری بین شرکت تهیه کننده و رنگیران ارائه می‌شد. دیوان نتیجه می‌گیرد که اینگونه فروشها معاملات عادی تجاری محسوب می‌شوند که طرفین بدون توجه به روابط بین شرکتهای خود انجام داده‌اند. به علاوه، بدھیهای تجاری قبل از مداخلات مورد احراز قابل پرداخت بود و بنابراین برخلاف سایر پیشپرداختها با انحلال زودرس رنگیران، تبدیل به دین حال نشد. هرچند که امکان بازپرداخت این دیون نیز در نتیجه انحلال رنگیران از دست رفت، ولی بنظر دیوان اینگونه زیانها بصورتی نیست که طبق مدلول بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، خسارت واردہ به حقوق مالکانه متعلق به ایستمن کدک به عنوان

سهامدار رنگیران محسوب نمی‌شود و بنابراین در حکم نهائی حاضر قابل وصول نمی‌باشد.

۴۶ - قلم دیگر بدھی مندرج در ترازنامه مبلغ ۲۵۰،۴۱۵،۷۵۲/- ریال پیشپرداختهای دراز مدت است. در توضیحات منضم به صورتهای مالی اشاره شده است که این قلم "عمدتاً" پیشپرداختهایی است که از ایستمن کداک کامپنی، اینک، یو اس آ" دریافت شده است. در صورتهای مالی سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ نیز که جزو مدارک موجود است، پیشپرداختهای مشخصی از "ایستمن کداک کامپنی، اینک، راچستر، نیویورک، یو اس آ" نشان داده شده. حسب اظهار، شرکت اخیر صاحب کلیه سهام رنگیران می‌باشد. دیوان متذکر می‌گردد که با آنکه شرکت خواهان در ایالت نیوجرسی به ثبت رسیده، ولی نشانی وی در گواهی سهی که به نامش صادر شده، راچستر، واقع در نیویورک، قید شده است. رونوشت مکاتبات موجود در پرونده نیز حاکی از آنست که شرکت خواهان از راچستر واقع در نیویورک فعالیت می‌کرده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که منظور از موارد اشاره به "ایستمن کداک کامپنی، اینک، راچستر، نیویورک، یو اس آ" در صورتهای مالی، اشاره به خواهان است.

۴۷ - در سال ۱۹۷۸ پیشپرداختهایی که مشخصاً از خواهان دریافت شده بود، به ۶۳۳/-، ۵۱۰،۱۰،۵۱۰ ریال بالغ می‌شد. در صورتهای مالی سال ۱۹۷۹ چنین توضیحات دقیقی داده نشده و لذا به سادگی معلوم نمی‌شود که آیا تمامی آن مبلغ بابت بدھی به ایستمن کداک است یا اینکه قسمتی از آن، بدھی به سایر شرکتهای کداک می‌باشد. بدین ترتیب، دیوان در اقدام به تعیین مقدار پولی که واقعاً توسط خواهان پیشپرداخت شده، با دشواریهایی رویرو است.

۴۸ - کلا" مبلغ ۳،۳۶۸،۲۴۳/- (۶) دلار بابت پیشپرداختهای انجام شده توسط ایستمن

---

(۶) معادل ۲۳۷،۴۲۷،۴۴۹/- ریال به نرخ تبدیل ۱ دلار = ۷۰/۴۹ ریال که در مورد سرمایه‌گذاری بکار رفته است.

کدак مستند به سه فقره سفته به تاریخهای ۱۹ آذرماه ۱۳۵۵، پنجم بهمنماه ۱۳۵۵ و ۱۲ بهمنماه ۱۳۵۷ [دهم دسامبر ۱۹۷۶ و ۲۵ ژانویه ۱۹۷۷ و اول فوریه ۱۹۷۹] است که بخشی از مدارک موجود نزد دیوان را تشکیل می‌دهد. در مدارک همچنین سه نامه به تاریخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۸ [هفتم ژانویه ۱۹۸۰] از ایستمن کداق خطاب به دوازه مختلف داخلی آن شرکت وجود دارد که ضمن تأیید مبالغ مورد مطالبه از رنگیران، آن ارقام به عنوان مطالبات غیرقابل وصول "درنتیجه شرایط اخیر ایران" از دفاتر حذف شده‌اند. در یکی از آن نامه‌ها، مشخصاً به مبالغی که در قبال آنها سفته دریافت شده و همچنین به پیشپرداخت دیگری به مبلغ ۸،۸۶۵ دلار اشاره شده است. درمورد پیشپرداخت اخیرالذکر هیچگونه سندی وجود ندارد. دیوان معتقد است که این سه فقره سفته دقیقاً بابت مبالغی است که ایستمن کداق به رنگیران پیشپرداخت کرده و در ترازنامه به صورت بدھیهای دراز مدت ذکر شده است.

۴۹ - دیوان پس از بررسی سفته‌ها و مندرجات آنها نتیجه می‌گیرد که این سفته‌ها نوعاً "وامهای تجاری نبوده که جزی از یک معامله تجاری را تشکیل دهد، بلکه مبالغی بوده که ایستمن کداق به عنوان سهامدار اکثربت به شرکت تابعه نوبای خود پیشپرداخت کرده است. هشت درصد بهره به سفته‌ها تعلق می‌گیرد و تاریخ بازپرداخت معینی ندارند" و عندالمطالبه قابل پرداخت بوده‌اند. بهره متعلقه به دو فقره از سفته‌ها جمعاً به مبلغ ۱۲۵،۰۰۰ دلار، هر سه ماه یک بار قابل پرداخت است، ولی بهره متعلقه به سفته ۳،۲۴۳،۲۴۳ دلاری تنها در تاریخ مطالبه وجه سفته قابل پرداخت است. این پیشپرداخت در فوریه ۱۹۷۹، یعنی کمتر از یک سال قبل از تاریخ مداخلات، به عمل آمد. به ویژه با توجه به این واقعیت که نسبت پیشپرداختها در مقایسه با دارایی شرکت به گونه نامتناسبی بالا بوده و وثیقه‌ای در مقابل آنها دریافت نشده، دیوان معتقد است که پیشپرداختها برمبنای عرف عادی تجاری صورت گرفته‌اند. درواقع بعيد است که هیچکی از طرفین، قرارداد وامی با

چنین شرایط با طرف ثالث غیر وابسته‌ای منعقد می‌کرد و اینکار [صرفاً] با اعتماد به روابط بین شرکتها صورت گرفته است. دیوان معتقد است که این پیش‌پرداختها در حکم سرمایه‌گذاریهای دراز مدت ایستمن کداک در شرکت تابعه خود بوده که آن شرکت به عنوان سهامدار اکثریت انجام داده است. بنابراین از دست رفتن هر مقدار امکان وصول آن نیز خسارت به حقوق مالکانه ایستمن کداک در رنگیران محسوب شده و به عنوان بخشی از این حکم نهایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵۰ - وظیفه دیوان این است که خسارت احتمالی متحمله در اثر حال شدن زودرس پیش‌پرداختها و از بین رفتن امکان وصول آنها را ارزشیابی کند و نه خسارت ناشی از هدر رفتن خود پیش‌پرداختها را. مقدار خسارت متحمله در اثر از بین رفتن امکان وصول، «الزاماً» به اندازه خود پیش‌پرداختها نیست. برای تعیین میزان چنین خسارتی، دیوان باید احتمال وصول آن پیش‌پرداختها و به ویژه، نسبت هر مقدار بازپرداخت را با میزان واقعی بدھی، بررسی کند. آن مبلغ مرکب است از اصل مبالغه به علاوه بهره متعلقه به نرخ هشت درصد براساس شرایط مندرج در هر یک از سفته‌ها. طبق محاسبه خواهان، مقدار طلب در ۲۵ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۶ نوامبر ۱۹۷۹] مبلغ ۳،۶۰۲،۰۴۰ دلار بوده است.

۵۱ - دیوان این واقعیت را از نظر دور نمی‌دارد که اگر رنگیران منحل نشده بود، ایستمن کداک به فرض که توفیقی هم حاصل می‌کرد، این پیش‌پرداختها را تنها بعد از گذشت مدت زمانی می‌توانست دریافت کند. بازپرداخت آنها منوط به آن بود که رنگیران طی مدتی مدام سودآور باشد. مدارک موجود نزد دیوان نشان می‌دهد که هرچند رنگیران در سه ماهه دوم سال ۱۹۷۹، یعنی شش ماه قبل از مداخلات، اولین سود خالص سه ماهه خود را به دست آورده بود، معهذا در سه ماهه‌های بعد تا آخر اکتبر ۱۹۷۹ بازهم زیان نشان داد. تراز عملیات سال مالی منتهی به نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] نشان می‌دهد که درآمد عملیاتی نسبت به

سال قبل کاهش و کسریهای خالص و انباسته شده آن افزایش یافته بود. علیرغم زیانهای سالهای قبل، در فوریه ۱۹۷۹ ایستمن کداک مبلغ معنابه ۳،۲۴۳،۲۴۳/ دلار را که به سفته سوم مستند است، به رنگیران پیشپرداخت کرد. بدینهی است اگر ایستمن کداک در نوامبر ۱۹۷۹ یعنی بلافاصله قبل از مداخله، تصمیم به انحلال رنگیران گرفته بود و یا در آن زمان بازپرداخت وجه را مطالبه کرده بود، تمامی مبلغ به وی بازپرداخت نمی‌شد. دیوان نتیجه می‌گیرد که در نوامبر ۱۹۷۹ احتمال بازپس گرفتن تمامی این پیشپرداختها در آینده چنان قطعی نبود.

۵۲ - به هیچوجه بر دیوان معلوم نیست که اگر رنگیران اجازه یافته بود تا به امروز به کسب و کار خود ادامه دهد، آن پیشپرداختها بعضاً یا کلاً بازپرداخت می‌شد و یا اینکه به علت عدم تکافوی درآمد یا دلایل دیگر، در ترازنامه به عنوان دیوان درازمدت باقی می‌ماند. برای سنجش این موضوعات، دیوان باید راجع به رویدادهای آتی متول به پیش‌بینی منطقی شود. همانطور که دیوان در بند ۳۳۸ حکم شماره ۳۱۴-۲۴-۱ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷] صادره در پرونده استارت هاووزینگ کورپوریشن و دیگران، و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، (چاپ شده در Iran-U.S. 16 C.T.R. 112,221) اشعار داشته "تعیین کمیت این موضوعات به طور دقیق (همیشه) میسر نیست، زیرا بستگی به نظر و قضاوت دارند که با حدود و تقریب بهتر بیان می‌شود. تحت این شرایط، دیوان باید یک رقم کلی تعیین کند".

۵۳ - دیوان روش‌های بسیاری را برای محاسبه خسارات متحمله توسط ایستمن کداک بررسی کرده تا نمایانگر این مجھولات باشد و به ویژه مدت زمان بازپرداخت احتمالی آنها را به فرض وقوع، و نیز این موضوع را که آیا هرگز درآمد کافی برای استرداد این پیشپرداختها عاید رنگیران می‌شد یا خیر، مورد توجه قرار داده است. دیوان مجدداً متذکر می‌شود که کسری بازرگانی رنگیران در سال مالی منتهی به نهم آبانماه

۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] کاهش نیافته، بلکه افزایش یافته بود و در همان سال، ایستمن کدак لازم داشت مقدار معنابهی سرمایه با شرایطی که بینهایت مساعد به حال رنگیران بود، به شرکت تابعه خود تزریق کند.

۵۴ - دیوان معتقد است که تعیین مقدار خسارات متحمله توسط ایستمن کداك فقط با تعديل منصفانه و منطقی در کل ارزش سفتهها به نحوی که نمایانگر این مجہولات باشد، امکان پذیر است. رویه معمول دیوان این است که "وقتی شرایط موجود با محاسبه یک رقم دقیق و مشخص ناسازگار است، دیوان ناگزیر است با اعمال اختیار خود مبلغ مربوط را "منصفانه تعیین" نماید"، رجوع شود به: بند ۳۳۹ همان ماعذله، چاپ شده در ۲۲۱ Iran-U.S. C.T.R. 16. پس از در نظر گرفتن کلیه جواب امر، دیوان نتیجه می‌گیرد که ۵۰ درصد تعديل در ارزش کل سفتهها (به انضمام بیمه متعلقه به آنها تا تاریخ مداخله) در کلیه اوضاع و احوال منصفانه است.

۵۵ - دیوان اکنون باید به بررسی این مسأله پردازد که صدور حکم ورشکستگی توسط دادگاه تهران بدنبال تصمیم داوطلبانه آن شرکت مبنی بر درخواست حمایت از دادگاه، چه اثراتی داشته است. دیوان چنین مواردی را در سایر پرونده‌ها به حکم ضرورت بررسی کرده است. به عنوان مثال، در حکم شماره ۲۱-۱۳۲-۳ مورخ ۲۰ دیماه ۱۳۶۱ [دهم ژانویه ۱۹۸۳] چاپ شده در ۶ Iran-U.S. C.T.R. 2 دیوان آثار جریان انحلال یا ورشکستگی را بر صلاحیت خود بررسی و ملاحظه کرد که این دو جریان از یکدیگر متمایز بوده، پیامدهای حقوقی متفاوتی بر آنها مترب است. با این وصف، دیوان نظر داد که بیانیه حل و فصل دعاوی، اقامه دعوا تحت هر یک از این دو جریان را مستثنی نکرده است.

۵۶ - دیوان ملاحظه می‌کند که تصمیم مدیران تصفیه رنگیران به اعلام ورشکستگی، انتصاب مدیر تصفیه منصوب دادگاه و رائی دادگاه تهران، جملگی بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹

[۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] که تاریخ اجرای بیانیه حل و فصل دعاوی است، صورت گرفته‌اند. در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] رنگیران هنوز یک شخصیت حقوقی مستقل بود که با وجود انحلال آن بوسیله سهامداران، هنوز ورشکسته اعلام نشده بود. دیوان این واقعیت را نیز در نظر دارد که ادعای ایستمن کدک در جریان رسیدگی حاضر علیه ایران است و نه علیه رنگیران. بنابراین ورشکستگی رنگیران که متعاقباً اعلام گردید نمی‌تواند بر حقوق طرفین در این بخش از جریان رسیدگی، یعنی ایستمن کدک و ایران از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یا بر صلاحیت دیوان تأثیری داشته باشد. به عنوان مثال، رجوع شود به: حکم شماره ۱۶۶-۲ ۱۳۹-۱۳۹ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] صادره در پرونده تایم، اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. ۸. قرار موقت و اعدادی شماره ۳۸۲-۳ ۵۲-۳۸۲ مورخ ۳۱ خردادماه ۱۳۶۴ [۲۱ ژوئن ۱۹۸۵] صادره در پرونده سینگ اینترنشنال، اینکورپوریتد و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. ۸. علاوه بر آن، ورشکستگی رنگیران که متعاقباً اعلام گردید، با این نتیجه‌گیری دیوان که ایستمن کدک بر اثر دخالت ایران متحمل خسارت شده است، ناسازگار نمی‌باشد. اقدام دیوان در تعیین میزان آن خسارت، اعم از اینکه مستند به اعلام ورشکستگی و یا به صور دیگر باشد، مربوط به ارزش رنگیران شده، بلکه به زیان متحمله توسط ایستمن کدک در اثر حال شدن دیون بالقوه به دلیل انحلال زودرس رنگیران و از دست رفتن امکان وصول وجهی که به نظر دیوان به ایستمن کدک به عنوان سهامدار اکثریت رنگیران پیش‌پرداخت شده، مربوط می‌گردد.

۵۷ - طبق محاسبه خواهان، اصل مبلغ سفته‌ها بانضمام بهره متعلقه (به نرخ ۸ درصد طبق شرایط مندرج در هر سفته) تا تاریخ ۲۵ آبانماه ۱۳۵۸ [۱۶ نوامبر ۱۹۷۹] به ۳،۶۰۲،۰۴۰/- دلار امریکا بالغ می‌شود. از آنجا که به نظر دیوان مداخله در تاریخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] یعنی حدود ۱۱ روز بعد صورت

گرفته، این مبلغ به ۱۶۰/۴۹، ۱۱۰، ۳۰۰ دلار امریکا افزایش می‌یابد. بر این اساس، دیوان مبلغ ۱،۸۰۵،۰۸۰/۲۴ دلار امریکا به عنوان غرامت بابت زیان و خسارتی که ایستمن کداک در نتیجه مداخله ایران در حقوق مالکانه‌اش به عنوان سهامدار اکثربت رنگیران متحمل گردیده، به نفع وی حکم صادر می‌کند.

۵۸ - دیوان همچنین باید مبلغ ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال سرمایه‌گذاری ایستمن کدارک را در سهام سرمایه رنگیران در نظر گیرد. این سرمایه‌گذاری در جریان رسیدگی حاضر قابل وصول نیست، زیرا سهم سرمایه، بدھی به سهامداران محسوب نمی‌شود، مگر آنکه بعد از انحلال مازادی باقی بماند. به علاوه، هر مقدار مازادی که احتمالاً موجود باشد، فقط با اعمال حق انحلال که ایستمن کداک به داشتن آن اذعان کرده، قابل توزیع است.(۷)

۵۹ - از آنجا که حکم دیوان بر ارزش رنگیران مبتنی نبوده، بلکه بر زیان متحمله توسط ایستمن کداک در اثر حال شدن دیون بالقوه آن به دلیل انحلال زودرس رنگیران به دنبال مداخله ایران و از بین رفتن امکان وصول مبلغ پیش‌پرداخت استوار است، بنابراین لازم نیست ارزش حقوقی که بعد از ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] برای ایستمن کداک باقی مانده بود و توسط آن شرکت اعمال گردید، تعیین یا کاهش بیشتری در آن صورت گیرد.

---

(۷) البته دیوان به این اظهار ایستمن کداک توجه دارد که آن شرکت بعد از انحلال رنگیران، هیچ وجهی دریافت نکرده است.

سه - بهره و هزینه‌ها

۶۰ - خواهان بهره‌ای به نرخ ده درصد نسبت به مبلغ محکوم به از تاریخ مداخله تا تاریخ پرداخت آن، به علاوه هزینه‌های [داوری] مطالبه کرده است. مبلغ حکم اعطایی دیوان با در نظر گرفتن امکان بازپرداخت مبالغی که در قبال سفته‌ها پیش‌پرداخت شده و هشت درصد بهره در سال به آنها تعلق می‌گرفته، محاسبه شده است. دیوان معتقد است که نرخ بهره قراردادی همانقدر ارتباط نزدیک با انتظار و امکان وصول وجه توسط خواهان دارد که با وصول خود پیش‌پرداخت می‌داشت. بنابراین دیوان مقرر می‌دارد که طبق روش متذکر در ص ۱۹ حکم شماره ۱۴۵-۳۵-۳ ۱۵ مردادماه ۱۳۶۳ [ششم اوت ۱۹۸۴] صادره در پرونده آر.جی. رینولدز توباكو كامبني و دولت جمهوري اسلامي ايران و ديگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 181,193 ۷، نرخ بهره قراردادی مورد توافق طرفین که در سفته‌ها مقرر گردیده، باید نسبت به مبلغ محکوم به در حکم حاضر به کار برده شود. بهره از تاریخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] یعنی تاریخ مداخله، تعلق می‌گیرد.

۶۱ - در حکم جزی، بررسی اعطای هزینه‌های داوری پرونده شماره ۲۲۷، به تعیین تکلیف قطعی پرونده موکول گردید. رجوع شود به بند ۷۱ حکم جزی. با توجه به تصمیمات گوناگونی که هم در حکم جزی و هم در حکم نهائی حاضر گرفته شده، دیوان مقرر می‌دارد که هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متقابل گردد.

چهار - حکم

۶۲ - به دلایل پیشگفتہ،

دیوان حکمی به شرح ذیر صادر می‌کند:

- (الف) خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف است مبلغ یک میلیون و هشتاد و پنج هزار و هشتاد دلار و بیست و چهار سنت (۱،۸۰۵،۰۸۰/۲۴) دلار امریکا) به علاوه بهره ساده متعلقه به نرخ هشت درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از تاریخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۷ نوامبر ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ حکم را از حساب تضمینی به بانک امین صادر نماید، به ایستمن کدادک کامپنی، اینک پردازد.
- (ب) کلیه تعهدات فوق با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.
- (ج) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را متحمل شود.
- (د) بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می‌گردد.

لاهه، به تاریخ ۱۱ شهریور ماه ۱۳۷۰ برابر با ۲ سپتامبر ۱۹۹۱.



کایتانو آرانجیرو- رئیس

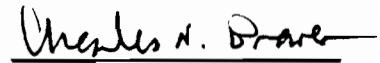
رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



چارلز ان. براون

نظر موافق و مخالف